

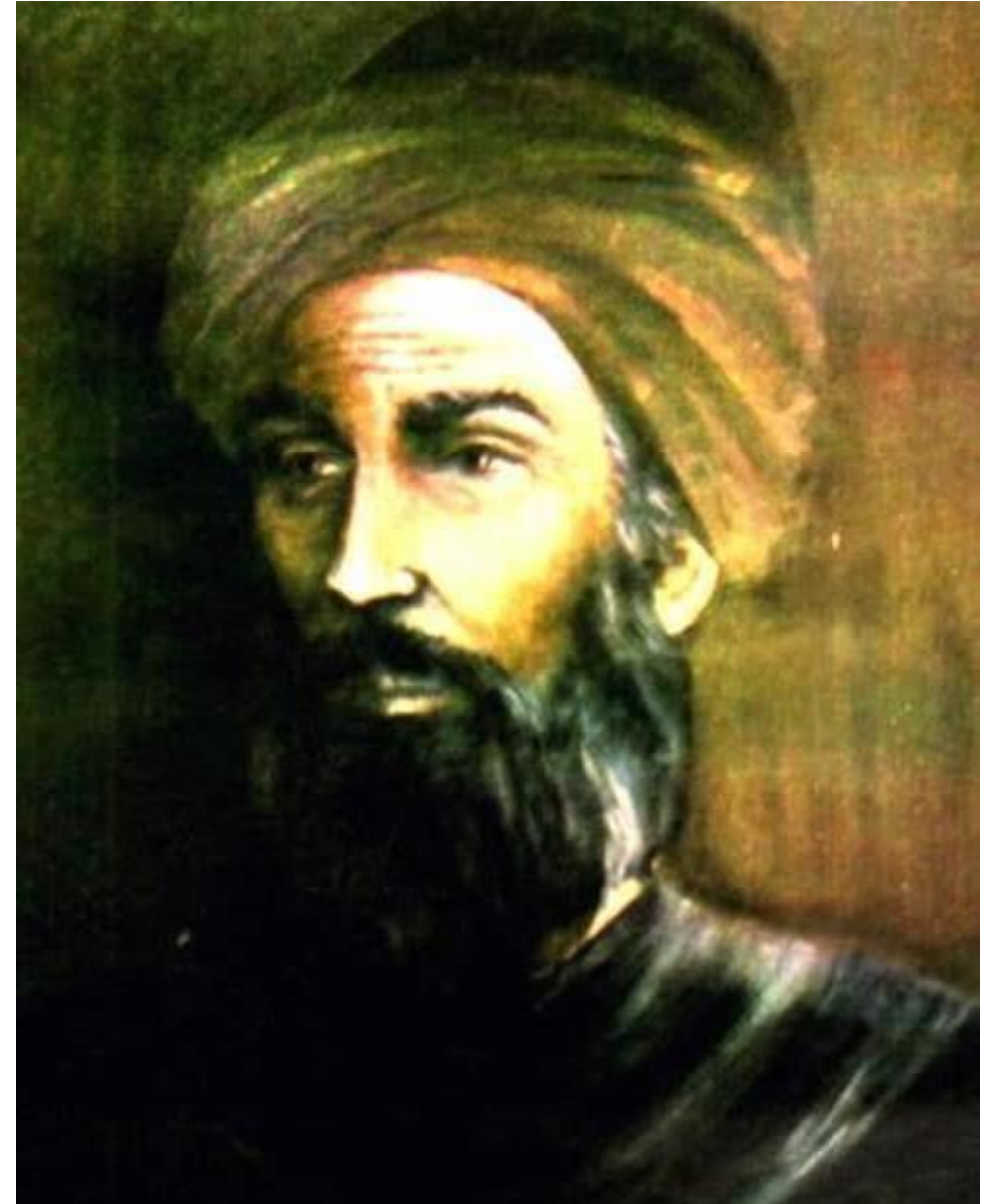
**IN THE NAME OF
GOD,
THE
COMPASSIONATE,
THE MERCIFUL**



آیا میدانید پدر علم
جراحی مدرن



@tamadone_islami



WHO'S THE SURGEON?

THE EVOLVING ROLE OF THE SURGEON IN THE POSTMODERN ERA

M.Raeeszadeh

Vascular & Trauma Surgeon
Associate Professor of BMSU



دکتر ابوالقاسم بختیار



دکتر ابوالقاسم بختیار درسال 1250 خورشیدی در بروجن از پدری خان زاده اما فقیر به نام حاجی حسن خان بختیاری به دنیا آمد. فقری که البته بیش از هرچیز به دلیل نگاه خاص و درویش مسلکانه پدر به زندگی بود.

هنگام تولد او، مادر دارفانی را وداع گفت و این غم چنان بر پدر سنگین آمد که حتی مایل به نام گذاری فرزند خویش نبود. پدر بزرگ جهت تسلی خاطر پسرش، شعری از شاهنامه خواند که زخم هجران همسر را بهبود داد و به یمن آن، نام فرزند را ابوالقاسم گذاشتند. نامی که ساختار شخصیتی و روحی صاحب آن را در سراسر عمر متأثر از شاهنامه ساخت.

ابوالقاسم در پنج سالگی به مکتب خانه رفت اما از دست دادن پدر در شش سالگی باعث شد تا نتواند ادامه تحصیل دهد و در نتیجه در نوجوانی به مشاغل گوناگونی از جمله **فروشنده‌گی، کفاشی، مغازه‌داری و دوره‌گردی** در کوهستان‌های بختیاری روی آورد.

استعداد سرشار وی و علاقه‌اش به دانش، او را به معلمی و مکتب داری سوق داد و بیشتر جوانی‌اش را در کسوت معلمی سپری کرد. در وجود ابوالقاسم نیرویی برای جستجو و مطالعه جهت پیشرفت وجود داشت، که منجر به این شد تا در 34 سالگی از محدوده بروجن پا فراتر گذارده و به اصفهان و سپس تهران نقل مکان نماید. مدتی در اصفهان بود، تا با بی بی ماه **بیگم بختیاری** همسر مرتضی قلی خان صمصام آخرین ایلخانی بختیاری آشنا شد. مسئولیت تعلیم و تربیت فرزندان مرتضی قلی خان صمصام به ابوالقاسم سپرده شد و این گام بلندی بود برای بروزرسانی معلومات او و از طرف دیگر آشنائی با کالج آمریکائی‌های البرز، که مدیریت آن به عهده **ساموئل مارتین** جردن بود.

جردن هر روز از پنجره دفتر کارش می دید که جوانی قوی هیکل چند دانش آموز را به مدرسه می‌آورد. یک روز که این جوان در شکستن و انبار کردن چوب به خدمتگذار مدرسه کمک می کرد، جردن از کار او خوشش آمد و او را به دفتر فرا خواند و از او پرسید که چرا ادامه تحصیل نمی‌دهد؟ جوان، (ابوالقاسم بختیار) گفت که بعلت سن بالا و نداشتن هزینه تحصیل و همچنین با داشتن سه فرزند قادر به این کار نیست.

جردن پذیرفت که خود شخصاً آموزش او را در زمانی که باید منتظر بچه‌های مرتضی قلی خان صمصام باشد برعهده بگیرد.

بنابراین شوق تحصیل در وجود ابوالقاسم، باعث شد تا در سال 1289 خورشیدی یعنی در سن 39 سالگی، دانش آموز دبیرستان آمریکایی یا همان کالج البرز تهران شود.

او پس از دریافت دیپلم به قصد ادامه تحصیل در رشته پزشکی، یعنی آرزویی که پس از ابتلا به آبله در کودکی لحظه ای او را رها نکرده بود، راهی آمریکا شد و در **دانشگاه سیراکیوس در نیویورک** مشغول به تحصیل شد و سرانجام در پنجاه و پنج سالگی آموختن پزشکی را به اتمام رساند. تمامی این پیشرفت ها با راهنمایی و تشویق دکتر ساموئل جردن، رئیس کالج البرز، و البته تنها به خرج خود ابوالقاسم و با اتکا به بازوان خود وی، میسر شد.

دکتر بختیار پس از ازدواج، مدتی در آمریکا به طبابت مشغول بود اما آرزوی خدمت به هم وطنان و دعوت نامه وزیر آموزش وقت، باعث شد تا در اوایل پاییز 1310 شمسی در 60 سالگی پس از 11 سال دوری، به کشور بازگردد.

پس از حضورش در کشور، بیمارستانی خصوصی در تهران ایجاد کرد و به طبابت و جراحی پرداخت. هلن همسر ابوالقاسم نیز اولین مدرسه پرستاری در ایران را تأسیس کرد. هلن و ابوالقاسم اولین افرادی بودند که طریقه **پاستوریزه کردن شیر** را به مردم آموختند. اعتقاد دکتر بختیار به پزشکی کهن ایران به خصوص زکریای رازی، در زندگی حرفه ای او نقش بسیار داشت.

سه سال پس از ورودش، به همت وی و همکارانش، دانشکده پزشکی تهران تأسیس و او به سمت معاونت دانشکده پزشکی برگزیده شد. دکتر بختیار همزمان رئیس دپارتمان **آناتومی، معلم جراحی صغیر و معلم بیماری های زنان و مامایی** نیز بود. البته وی در سال 1314 خورشیدی از معاونت دانشکده استعفا داد.

از اقدامات ارزنده دکتر بختیار در پیشبرد اهداف علمی دانشکده پزشکی تهران، تلاش خاص او برای راه اندازی و تجهیز سالن تشریح دانشگاه بود؛ تا حدی که وی برای اولین بار اجساد اموات بلاصاحب را مخفیانه از مریضخانه های دولتی تحویل گرفته و با خودروی شخصی خود به تالار تشریح می آورد.

دکتر بختیار سال 1318 به عنوان **جراح ارشد شرکت نفت ایران و انگلیس** به خوزستان رفت. او ابتدا در آبادان و از سال 1321 در بیمارستان شرکت نفت مسجد سلیمان به خدمت پرداخت. مرحوم دکتر بختیار تا سن 90 سالگی در خوزستان و مسجد سلیمان ماند و در سال 1341 خورشیدی به تهران بازگشت. در اسفند سال 1342 طی مراسمی، از خدمات دکتر بختیار در دانشگاه تهران تقدیر و سالن آناتومی دانشکده پزشکی به نام وی نامگذاری شد.

دکتر بختیار با داشتن هفت فرزند، پس از متارکه با همسر اولش، هلن، در سن 70 سالگی با **بی بی توران ضرغام**، یک زن بختیاری ازدواج کرد و ده فرزند هم حاصل این ازدواج بود. (سرگذشت هلن جفریز را بعدها، لاله بختیار در کتابی به نام «هلن توس: ادیسه ای از آیداهو تا ایران» منتشر کرد.)

در نامه ای که دکتر ابوالقاسم بختیار، از ایران برای پسرش در آمریکا نوشته است، شرح دشواری های سر راه او و میزان سختکوشی و مصمم بودن وی را می توان به خوبی دریافت:

«درس 19 سالگی من فروشنده دوره گردی در کوه های بختیاری بودم که هزاران رؤیا در سر داشتم. زمانی که به امریکا رسیدم من فقط مدرک دیپلم دبیرستان امریکایی تهران را داشتم بدون پول، بدون آشنا. و هیچ کس نبود که از من حمایت کند، اما بر آن بودم که پزشکی را بیاموزم و هیچ کس در این کره ی خاکی نمی توانست مرا از راهی که درپیش گرفته بودم منحرف سازد؛

هنگامی که نخستین بار برای اخذ پذیرش تحصیلی نزد رئیس دانشگاه کلمبیا رفتم او به من گفت که رشته تحصیلی بسیار سختی را انتخاب کرده ام و باید آن را تغییر دهم. اما من به او گفتم که پیروزی یا مرگ هدف من است و رشته تحصیلی ام را تغییر نمی دهم حتی اگر مجبور باشم تا پایان عمر، زندگی ام را برای رسیدن به آن مصروف دارم.»

وی در 19 دی 1349 هجری شمسی در طوس، مشهد چشم از جهان فرو بست.

نکته قابل توجه درباره پایان زندگی این مرد خودساخته که نمونه انسانی بسیار فعال، مقاوم و سختکوش بود، وصیت وی است؛ او که نامش را از سراینده شاهنامه وام گرفته بود و همانند تمام بختیاری ها، به فردوسی و شاهنامه عشق می ورزید و همیشه از شاهنامه خوانی به عنوان بزرگترین سرگرمی خود یاد می کرد و به عبارت بهتر عاشق فردوسی و شاهنامه بود، وصیت کرد تا پس از درگذشتش، در جوار تربت حکیم ابوالقاسم فردوسی به خاک سپرده شود و فرزندان نیز اینگونه عمل کردند، و او در آرامستان عمومی منطقه طوس آرمید.

«گالری عکس»



پروفیسور محمد قلی
شمس



پروفیسور یحییٰ عدل



پروفیسور جواد ہیئت

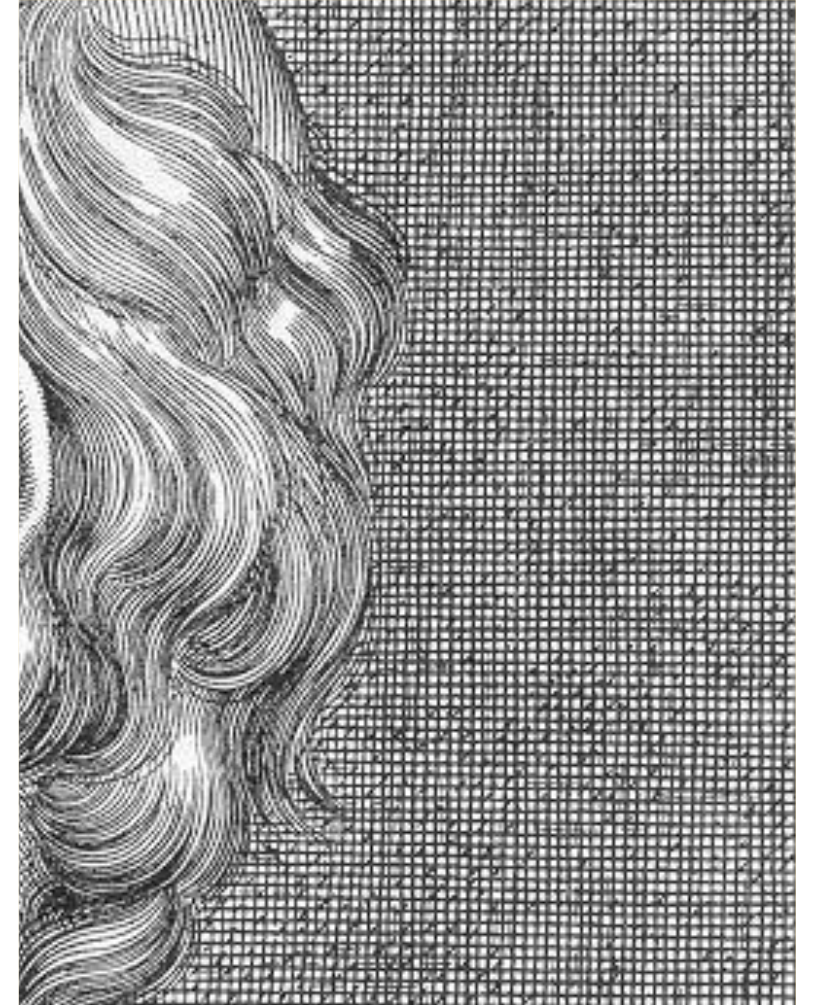


پروفیسور عباسقلی
دانشور





This Photo by Unknown Author is licensed under [CC BY-NC-ND](#)



"THE SURGEON'S HAND IS THE EXTENSION OF A SACRED MIND -
WHERE SCIENCE AND ART CONSPIRE TO PERFORM MIRACLES."
INSPIRED BY HIPPOCRATES

"A GREAT SURGEON
POSSESSES THE EYES
OF AN EAGLE, THE
HEART OF A LION,
AND THE HANDS OF
A WOMAN."

Adapted from John Hunter, father
of scientific surgery



[This Photo](#) by Unknown Author is licensed under [CC BY-SA](#)



[This Photo](#) by Unknown Author is licensed under [CC BY-SA](#)

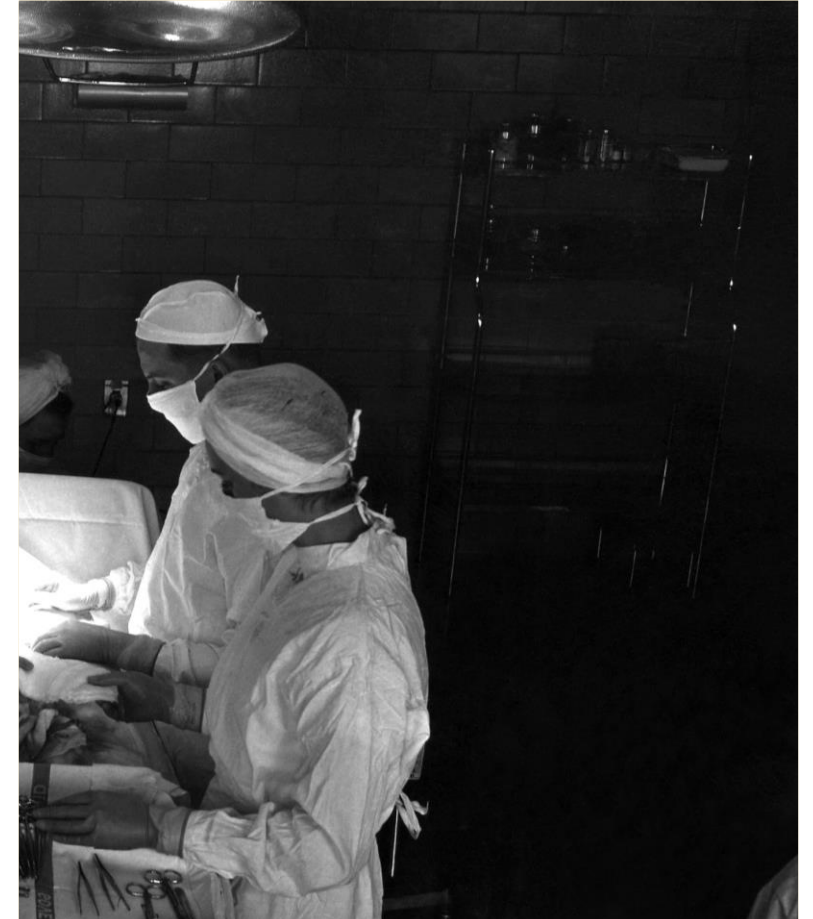


"THE SURGEON CUTS TO CURE, WOUNDS TO HEAL, AND INVADES TO RESTORE - WALKING THE RAZOR'S EDGE BETWEEN DESTRUCTION AND SALVATION."

SURGICAL PARADOX

"IN THE THEATER OF
LIFE, NO ACTOR
PLAYS SO TERRIBLE
YET GLORIOUS A
PART AS THE
SURGEON WHO
STANDS BETWEEN
MORTALITY AND
HOPE."

Inspired by William Halsted



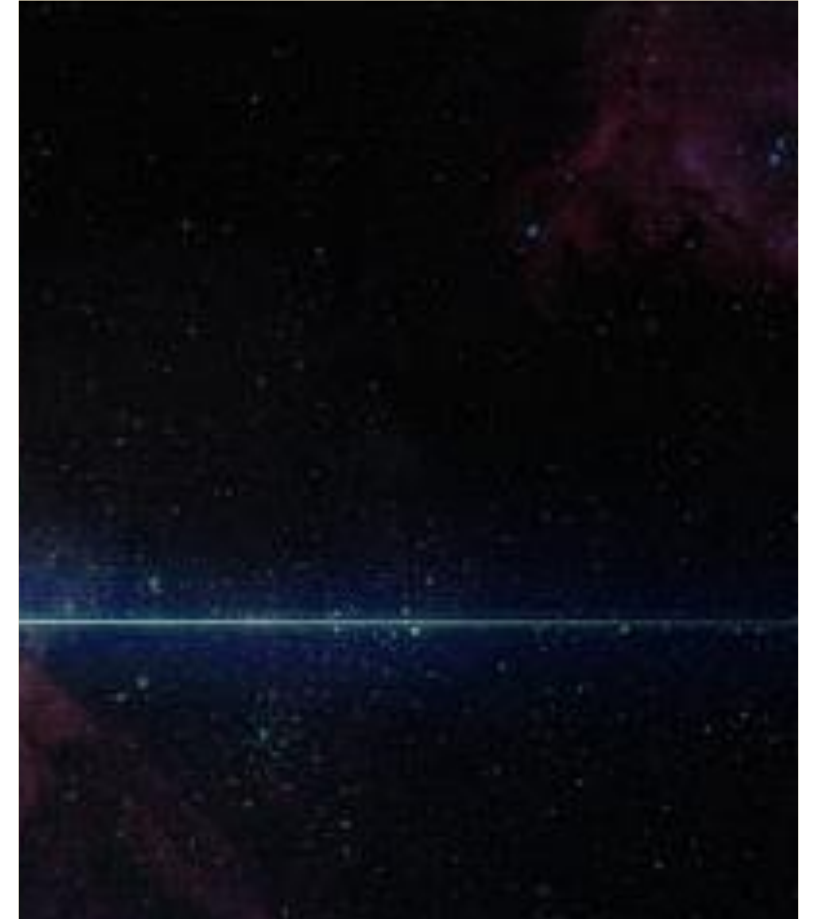


"THE SCALPEL IS MIGHTIER THAN THE SWORD, FOR IT BATTLES THE GREATEST
ENEMY OF ALL - DEATH ITSELF."

SURGICAL ADAPTATION OF BULWER-LYTTON

"GOOD SURGEONS
KNOW HOW TO
OPERATE; GREAT
SURGEONS KNOW
WHEN NOT TO."

Ancient surgical proverb



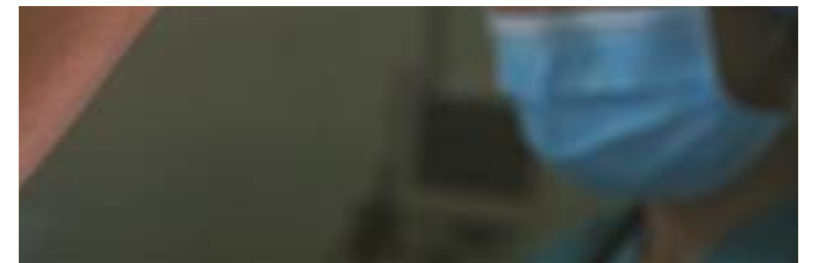
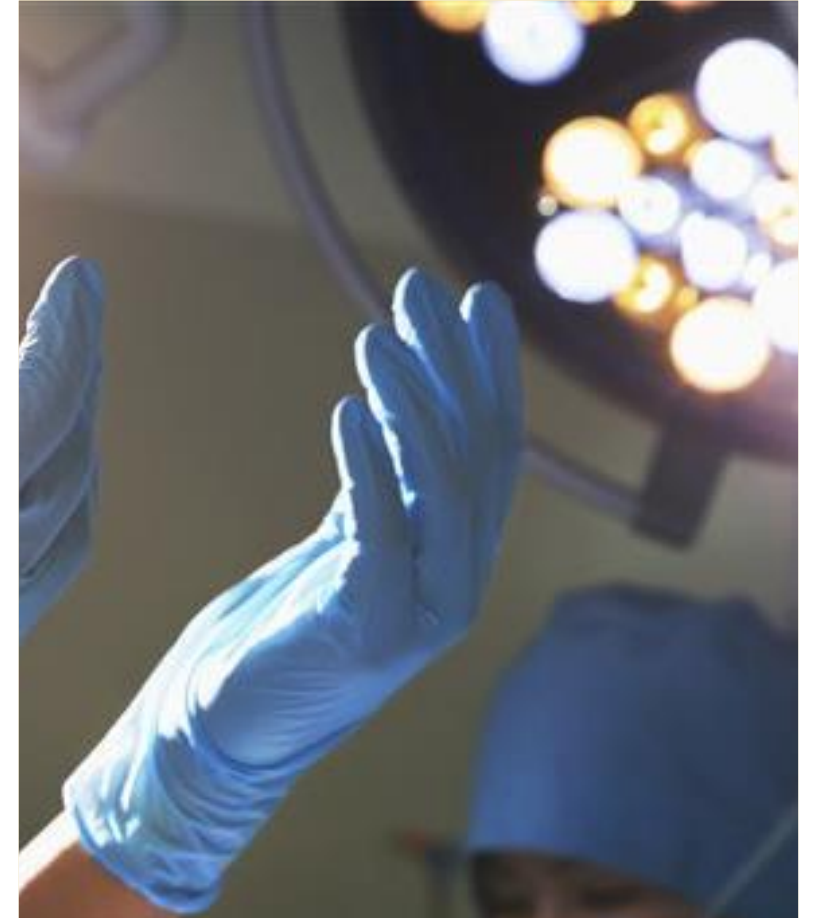


"THE SURGEON'S GREATEST INSTRUMENT IS NOT THE SCALPEL BUT JUDGMENT - THAT PERFECT ALCHEMY OF KNOWLEDGE, INSTINCT AND COURAGE."

INSPIRED BY HARVEY CUSHING

"TO CUT IS TO CURE
ONLY WHEN THE
HAND SERVES THE
HEART, AND THE
HEART SERVES THE
TRUTH."

Hippocratic essence

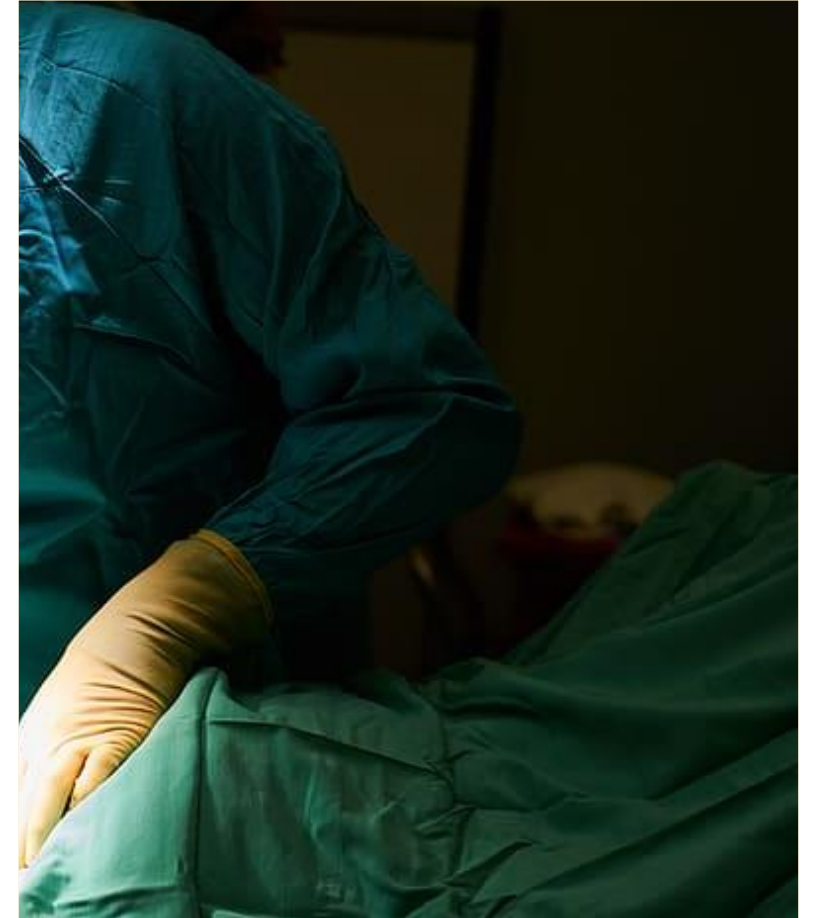




"SURGERY IS THE RED FLOWER THAT BLOOMS AMONG THE SCIENCES - MOST TERRIBLE AND MOST BEAUTIFUL."

ADAPTED FROM RUDOLF VIRCHOW

"THE SURGEON
MUST BE BOLD AS A
PIRATE, PRECISE AS A
WATCHMAKER,
GENTLE AS A POET,
AND WISE AS A SAGE
- FOR NO ORDINARY
CALLING DEMANDS
SO MUCH."





SURGERY IN THE MODERN ERA

- Focus on precision tools, robotics, and minimally invasive techniques
- Standardized procedures, universal protocols
- Evidence-based, structured medical education
- Evidence-based, structured medical education
- Traditional open surgeries, laparoscopic methods

FROM STRUCTURE TO FRAGMENTATION: THE SHIFT FROM MODERN TO POSTMODERN THOUGHT

MODERN

- Knowledge is objective, universal, and discoverable through reason and science.
- Truth is absolute and can be uncovered through rational analysis.
- Belief in metanarratives guiding human development.
- Rational thought and logic are the primary means of understanding the world.
- Identity is stable, essential, and often linked to reason and universal human characteristics.
- Language represents reality; meaning is clear and definable.

POSTMODERN

- Knowledge is constructed, contingent and subjective, shaped by language and culture.
- Truth is relative, contextual, and open to multiple interpretations.
- Skepticism toward metanarratives.
- Rationality is questioned, and emotions, intuition, and alternative perspectives are embraced.
- Identity is socially constructed, and influenced by cultural factors.
- Language is ambiguous, self-referential, and meaning is constructed through discourse.



SURGERY IN THE POSTMODERN ERA

- Integration of AI, virtual reality, and personalized medicine
- Patient-centered, adaptable approaches
- Holistic, interdisciplinary learning
- Active participant in treatment decisions
- Micro-surgeries, regenerative medicine, and bioengineering

MODERN SURGEON VS. POSTMODERN SURGEON

MODERN

- Scientific Rationalism
- Surgeon as Authority
- Mechanistic View of the Body
- Ethical Frameworks
- War Metaphor in Healing

POSTMODERN

- Relativism in Medicine
- Patient Autonomy
- Interdisciplinary Influence
- Critique of Scientific Objectivity
- Cosmetic & Identity Surgery



**THANKS FOR YOUR
ATTENTION**